

# راز، سر آغاز یک دروغ است

تکاهی به نمایش «رازها و دروغ‌ها»

◆ فرشته حبیبی

نام نمایش: رازها و دروغ‌ها

نویسنده: نغمه نمینی

کارگردان: کیومرث مرادی

بازیکران: پلنقه آ بهرام، احمد ساعتچیان و پیام دهکردی

همیشه از این جا شروع می شود یک راز، سر آغاز یک دروغ است و یک دروغ، آغازی برای یک قته و قتی فته ای برانگیخته شد، خلموش نمی توان کرد مگر به واگویی راز قسه های کوچک. «رازها و دروغ‌ها» بدین گونه شکل می گیرند. در یک ساختار منشی، سه شخصیت نمایشی هر یک بار از این پنهان، چهره پوشیده از دیگران و در یک لحظه اوج، با تاقی این سه کاراکتر، هر سه زه گم کرده به خطا برده و به حقیقت نرسیده. گره های قسه یک به یک باز می شوند.

نویسنده نمایشنامه زمانی دست از بازی با قسه ها بر می دارد که بازل نمایش کلاماً چیده شده است. تمه نمینی این شیوه گره گشایی را قبلاً در «افسون معد سوخته» آزموده بود. گریم که در آن جا داستان دیگری نیز به موازات قسه های مذکور، سوار نمایشنامه شده است. داستانی با فضا و زمانی کلاماً متفاوت با فضا و زمان اصلی نمایش. شاید همین تجربه، پیش زمینه ای می شود تا او در کار بعدی اش «خواب در فوجان خالی»، تداخل زمانها را تجربه کند.

دستمایه اصلی متن نمایش و فصل

مشترک قسه های کوچک آن عشق است. کاراکترها هر سه به عشق رازی دارند و هر سه به عشق دروغی. هوش، عاشق و دلانگه یونا، دختر شهیلی اورشلیم است و از دست دادن دخترک، داغ و حسرتی عمیق در قلمش به جای می گذارد. ناحوم گوزیشته، عاشقی است که یونارا با دروغ مسیح مسیح بر صورتش می فرید و از آن خود می کند، و یونا زنی که عاشق مسیح است و عمری را به عشق جانی انگشتاز مسیح و منشی که مسیح به ناحوم داده در خانه ناحوم سر می کند، غافل از این که نشان مسیح، او را مادر همه کولیان زمین خواهد کرد. با این حال او به خیال نجاشی که وهمی بیش نیست، تا لحظه تولد نوزادش زنده می ماند. او ایمان دارد که مسیح نجاشش می دهد. مسیح بیاسر عشق است، بیاسیر مهر بی... شیطان بسیار دارد آمده است تا عشق بورزد، عشق بودن را تعلیم دهد.

نقد فص

نویسنده از زبانی، جامعانه روانه اورشلیم را کور تصویری کند؛ مردانی که کینه و حسد نسبت به مسیح، کورشان کرده است و از آن میل، داستان ناحوم آهنگر و هوش رامی شنویم که درهای مسیح تخم کینه در دل هر دوستان پاشیده است. شاید تعمدی در کار نیست، ولی تنها کسی که همچنان شیفته وار عاشق مسیح است، یک زن است (یونا) و پس از او دختر کولی که از نسل هموست؛ یک زن که دیده بیداری دارد و با تکیه بر قدرت درونی اش، زاه تجلت می جوید. درست مثل انجلی که در زمان «کوری» نوشته ژوزه ساراماگا می آید. ■

